

نشسته‌اند، حل کنند، دور هم جمع شوند و مشکلاتشان را رو در رو با هم طرح کنند. روانز، برای اینکه نظریاتش درباره آموزش و تربیت مدیران توسعه جنبش آموزش مدیریت، که در برابر نقطه نظرات ضدستنقی و سازش ناپذیر وی به شدت مقاومت به خرج می دادند، مورد قبول قرار گیرد چندین سال ثلاش کرد. تنها حامی او در طی سالیان داراز، صنعتکار ثروتمند لرد آرنولد وین استاک، بنیان‌گذار شرکت GEC بود.

فرضیه روانز این است که آموزش مدیران به این مفهوم است که انجام اقدام موثر را یاد بگیرند، و همچنین به مفهوم این است که انجام اقدام تنها می‌تواند از طریق اقدامی که واقعاً انجام یافته یاد گرفته شود، گرچه به هر حال چارچوب یادگیری بایستی دارای شکل و ساختار معین باشد. در نتیجه، اعم از اینکه دانش جدیدی فی نفسه دست به دست شده باشد یا خیر، یادگیری می‌تواند روی دهد.

چارچوب پیشنهادی روانز برای یادگیری، چارچوبی است که صرفاً برای سازمانها مطرح شده است. یادگیری در عمل، مفهومی است که با نهادی شدن و تخصصی کردن یادگیری مقابله می‌کند. افزادی که کار را انجام می‌دهند بیش از دیگران برای بهتر انجام دادن آن اهمیت قائلند (که اینهم بازتاب نظرات دمینگ است) و به بهترین وجه می‌توانند، بدون آموزگاران یا مشاوران «متخصص» کار را یاد بگیرند. هدف از این کار عبارتست از ساختن یک مدرسه آموزش مدیریت در سازمان و یا توسط آن. با انجام چنین کاری ما به آنچه که اخیراً افراد از آن به عنوان «سازمان یادگیری» (LEARNING ORGANIZATION) یاد می‌کنند، نزدیک می‌شویم بدون آنکه از نظر مفهومی به آن اندازه که روانز سالها قبل به آن بود، به آن نزدیک شده باشیم.

سهم روانز در تفکر استراتژیک از دو جهت مطرح است: اول، اینکه اثربخشی استراتژیک به صورتی غیرقابل تفکیک به آموزش و پیشرفت در ایجاد شرایط تغییر و احساس مستویت در برابر ایده‌ها بستگی دارد. سهم روانز در این زمینه منحصر به خود است. دوم، نقطه نظر وی در این‌باره که توانائی طرح سوالات درست (جدول سه) تنها و مهمترین خصوصیت مدیر است، نگرش مهم دیگری برای استراتژیست‌هاست تا پیوسته مسیر درستی را دنبال و نظرات صحیحی را ارائه کنند.

مدیریت شهری و اعتماد عمومی

از: محمدعلی طوسی



دبیاجهای بر این بحث است و درج آن عملأً به معنی تائید هرآنچه طرح می‌شود، نیست. هدف ما از ورود به چنین مباحثی - که عملأً به تعیین اقبال عمومی از اقدامات سازنده در عرصه زندگی شهری می‌انجامد - این است که برای اجرای نوسازی کالبدی شهرهای کشورمان، سازوکارهایی مشخص و معین و همچنین تمهیدات مدیریتی همه سوئنگر فراهم آید.

تدبیر بر این باورست که ورود صاحب‌نظران به عرصه ارزیابی مقولات مدیریت شهری، علاوه بر جنبه‌های کالبدی نوسازی شهرها می‌تواند باب بحث پیرامون «روح» این کالبدها را نیز فراهم سازد و به دیگر زبان، جوانب فرهنگی، اجتماعی و آموزشی مساله را هم مورد مذاقه قرار دهد.

تدبیر

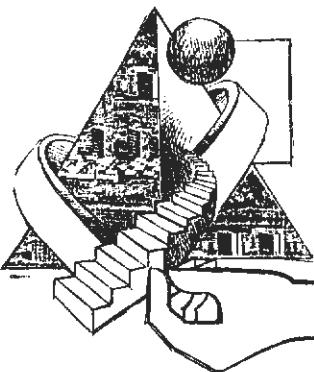
اشارة:

مدیریت شهری ظاهراً بحث تازه به نظر می‌رسد، اما از همان روزهای نخستین تکوین اندیشه‌های توسعه و از همان روزهایی که ادبیات مدیریت به سوی تدوین رفت، بحث مدیریت شهری نیز به مثابه یک قلمرو قابل ارزیابی هویت یافت. هویتی که حالا می‌رود تا با چکش کارشناسان صیقل بخورد. ناخالصی‌ها را به دور بریزد و محک خویش را عیان سازد.

تدبیر پیش از این نیز طی سرمهاله‌ای تحت عنوان «مدیریت شهری» (شماره ۴۶) و همچنین در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت شهری، هر خدمتی قیمتی دارد» (شماره ۴۸) به بحث در این باره پرداخت و مطلبی که دری می‌آید سومین نگاه به این قلمرو قلمداد می‌شود.

بی‌تردید این مطلب نیز چونان مقاله پیش،

در شمار هدف‌های نخستین مدیریت شهرداری قرار نداشت. برای گسترش منظم و برنامه‌بازی شده شهر و برای فراهم آوردن خدمات شهری مناسب با افزایش جمعیت و گستردگی جغرافیایی آن تلاشی کافی صورت نمی‌گرفت. شهر تهران که کانون جذب و جلب و نقطه امید گروههای گوناگونی از مردم سراسر ایران برای دستیابی به زندگی بهتر است، بدون نظم و قاعده گسترش می‌پاخت. و بنابر سلیقه‌های فردی و دور از تفکر و تعقل زیربنایی، رشدی نامتناسب و بی‌نظم و قارچ گونه پیدا می‌کرد.^(۱) بدین سان به مدت بیش از پنجاه سال شهر تهران به صورت یک نهاد به نسبت نهی از تدبیر جامع و بلندمدت، و برپایه سلیقه‌های فردی شهرداران و نفوذ سیاست‌های کشوری، بیشتر در زمینه‌های رویانی به صورت ناکافی و ناهمانگ اداره می‌شد. نتیجه این گونه کارگردانی روزمره و کوتاه مدت نادیده گرفتن کارهای اساسی و بنیادی بود و شهر تهران با بدکاری بسیار سنگین در زمینه فراهم آوردن خدمات گوناگون شهری، به شهردار کتونی آن تحويل داده شد. فهرست کوته‌های ازین بدکاریها عبارتند از: نساختن راه‌آهن شهری زیرزمینی و روی زمینی که بسیاری از شهرهای بزرگ جهان آن را از صد سال پیش در شهر خود فراهم آورند؛ نبود سازمان فاضلاب مجهز؛ کمود پارکها و گردشگاههای عمومی؛ نبود خیابان‌های پرعرض شمالی - جنوبی و شرقی- غربی برای تسهیل رفت‌وآمد متوری درون شهری؛ نبود فضاهای فرهنگی و آموزشی مناسب؛ نبود لوله کشی گاز در جایی که کشور یکی از دارندگان ممتاز مخازن زیرزمینی گاز است؛ و به طورکلی نبود نقشه و تدبیر اساسی و جامع برای توسعه و گسترش همه جانبه کالبدی و اجتماعی و فرهنگی شهر. گرچه که برای رسیدن به تدوین طرح جامع گسترش شهر در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی کوشش‌های درخوری از سوی چند تن از شهرداران صورت گرفت و آثار سودمند آنها در سالهای پس از انقلاب نیز آشکار شد و پرداز آن حرکت‌های ناکنید شد، ولی پس از انقلاب اسلامی ایران، نهاد شهرداری ناخودآگاه به صورت سازمانی خفت و خاموش درآمد و تلاش‌های آن تنها در حد بازنگهداشتن دکان شهرداری صورت گرفت و گرنه در آن سازندگی و کوشش چشمگیر دیده نمی‌شد. یعنی زمانی که با هزینه‌ای بسیار اندک تامین نیازهای اساسی و زیربنایی شهر کاری آسان می‌نمود و فضای روانی



● زمانی که میان مردم شهر، دوستی و صداقت چیره شود و مدیریان در خدمت مردم گام بردارند و مردم از خدمتکاران خیراندیش شهر پشتیبانی کنند، «فضای شهری» چهره پرانگیزه خود را آشکار می‌سازد.

● فضای دلپذیر شهری را می‌توان به اعتماد عمومی تغییر کرد.

است. بررسی و داوری بی‌غرضانه درباره کارهای کتونی شهرداری در پرتو آنچه شهرداران پیشین انجام داده‌اند و یا آنچه شهرداران دیگر شهرهای بزرگ ایران به انجام رسانده‌اند، من تواند شیوه‌ای باشد که هم خدمتکاران صادق و پرتلاش خدمات شهری را نمایان و دلگرم سازد و هم مردم را به پشتیبانی از کارهای سازنده و سودمند برانگیزاند. شهرداری تهران که نهادی بسیاری و دارای سابقه و فرهنگی ویژه است تا سال ۱۳۶۸، به جز سال‌های کوتاهی که در آن شهرداران آینده‌نگری به کار پرداختند و از خود آثاری پایدار به جای گذاشتند، به گونه‌ای اداره می‌شد که بلدیه‌های قدیم و سازمان‌های کهنه و گرفتار در روش‌های ناسازگار و ناکارآمد و نامتناسب با پیشرفت‌های زمان اداره می‌شدند. کارکنان شهرداری، که اغلب از میان طبقات کم تخصص جامعه برگزیده می‌شدند، از کار خود خشنودی و سرفرازی نداشتند و تهی از انگیزه‌های لازم، کار را بیشتر برای گذران روز برعهده می‌گرفتند. مردم هم به دلیل نابستنده بودن خدمات شهری از شهرداری و کارکنان آن ناخشنود و دلتانگ بودند. خدمت به مردم و کوشش در رفع دشواریهای بزرگ و کوچک شهر، به دلیل نفوذ‌های سیاسی در کار شهرداری،

«چندی پیش از این، در سخنی با فرهیختگان دوره‌های عالی مدیریت سازمان صنعتی، شهردار تهران موضوع «مدیریت شهری» را به عنوان شاخه‌ای جوان از درخت کهن‌سال مدیریت صومعه عنوان کرد و از صاحب نظران خواست تا برای پرورش این شاخه جوان و شکوفنده و رویه رشد در ایران راهیابی‌های علمی و فنی را مطرح کنند. در نوشتۀ‌ای که زیرنام «مدیریت شهری: هر خدمتی قیمتی دارد» در مجله شماره ۴۸ تدبیر به چاپ رسید، پاره‌ای از موضوع‌های پیشاد مریوط به مدیریت شهری به بررسی گذاشته شد. در اینجا لازم می‌دانم برپایه آنچه در آن نوشته آمده است از نو یادآور شوم که اگر قرار باشد تو ساخته مدیریت شهری به صورتی توانند رشد کند و شاخه‌ای پارور شود، بهترین تدبیر آن است که نفوذ‌های سیاسی کشوری در اداره امور شهر کاهش یابد و شهر و اداره آن به صورت یک پدیده شهری به دست مردم و مدیران برگزیده آن سپرده شود. نفوذ سیاست‌های کشوری در اداره امور شهر می‌تواند در کیفیت شکوفایی مدیریت شهری اثر گذارد و مسیر رشد و شکوفایی منطقه آن را به نوسانات سیاسی متصل ووابسته سازد. و تفاوت میان نهاد شهری با نهاد دولتی را از میان بردارد هر اندازه مز جدایی شهرداری از نهادهای دولتی آشکارتر و مشخص‌تر باشد، تکلیف اداره امور شهر آسان‌تر می‌شود و مردم از نهاد شهری تعریف و پنداری روش پیدا می‌کنند و اداره امور شهر یا «خانه» خود را به خود مربوط می‌شمارند. شهرداری نهادی است که همه اعتبارات و منابع مالی خود را از مردم شهر دریافت می‌دارد و به صورت کلی به خزانه عمومی دولت کاری ندارد، بنابر همین اصل ضرورت دارد به گونه‌ای رفتار شود تا مردم آگاه باشند که اداره امور شهر به خود آنان مربوط است زیرا هزینه‌های آن را خود پرداخت می‌کنند.

از سوی دیگر، کاهش پیوند مدیریت شهری به نوسانات سیاسی کشوری موجب می‌شود تا برنامه‌بازی توسعه کالبدی و شکوفایی اجتماعی- فرهنگی شهر، باثبات و پایداری بیشتر همراه شود و از تزلزل و دوباره کاری و انقطاع در کارهای عمرانی جلوگیری شود. با یادآوری این تکه اصلی و حیاتی اکنون به بررسی مدیریت شهری در تهران نظری فشرده افکنده می‌شود».

شهرداری تهران از ماههای آخر سال ۱۳۶۸ به کارهایی پرداخته است که بررسی آنها در مقایسه با سابقه خدمات شهرداری در کشور درخور توجه

برای ساخت و حمایت از آن در سطحی بالا حکم‌فرما بود کار عمران شهری به فراموشی سپرده شد و فرهنگ «انتظار و باری به هر جهت» و «چو نردا شود فکر فردا کنیم» غلبه کرد.

نوسازی کالبدی شهر

در یک حرکت تازه و بی‌سابقه برای نوسازی شهر و گشودن بزرگ راه تواب و عمران و آبادی زمین‌های کناری آن به مشارکت و پشتیبانی مالی مردم روی آورد. کاری که شهرداری آغاز نهاد شیوه‌ای پسندیده و تجربه شده، و سودآور در کارگردانی کارهای بزرگ و مهم ملی در بسیاری از کشورهای پیشرفت‌جهان است و پاسخی که مردم به این درخواست دادند کم‌نظیر و دلگرم‌کننده بود. در مدتی کوتاه‌تر از آنچه مقرر بود، مبلغ هفتادوپنج میلیارد ریال اوراق مشارکت به فروش رسید و گروههایی بی‌شمار از مردم، به رغم میل و خواست درونی، تنها به سبب تنگی فرصت برای فراهم آوردن پول و یا پایان یافتن زمان فروش اوراق، از دایره این مشارکت بیرون ماندند. از این اقبال عمومی تحلیل‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شده است، ولی یک تحلیل جایی بس بالا دارد. تحلیل اجتماعی این اقبال بی‌سابقه آن است که هرگاه سازمانی، مدیری، یا دولت‌مردی در راهی که با منافع مردم سازگاری دارد گام بردارد، مردم از حمایت و پشتیبانی صادقانه از آن سازمان یا مدیر درین نمی‌ورزند و می‌کوشند تا با هر وسیله ممکن این تایید و قدرشناسی خود را آشکار سازند. به یقین بالابودن نسبی میزان سوددهی مشارکت مردم در برنامه عمرانی بزرگراه تواب یکی از عامل‌های برانگیختن مردم به خرید اوراق مشارکت است ولی داشتن اعتماد به درستی کار شهرداری و پذیرش این نکته که این سرمایه‌گذاری سودبخش است و کسانی که به اجرای آن موظف هستند مردمانی لایق و شایسته و درخور اعتمادند نیز در خرید فزاینده اوراق سهمی بسیار موثر داشته است. اعتماد به درستی و لیاقت مدیران و پذیرش کاردانی آنان در کاری که بر عهده دارند عامل بسیار بر جسته‌ای است که در خرید هفتادوپنج میلیارد ریال اوراق مشارکت خود را به روشی آشکار گردانید. شایسته است که ترکیب و میزان خرید افزاد از این اوراق مشارکت از سوی شهرداری یا بانک ملی ایران بررسی شود تا معلوم گردد چه طبقاتی از مردم در این برنامه عمرانی سرمایه‌گذاری بیشتر کرده‌اند. بی‌گمان می‌توان ادعای کرد که حتی اگر برخی از سرمایه‌داران بزرگ هم، تنها به انتظار سود، اوراقی را خریده باشند ولی این مردم عادی و کم درآمد بودند که هرچه پس انداز داشتند یا هرچه می‌توانستند گرداورند در سبد اطمینان و اعتماد شهرداری تهران سرمایه‌گذاری کردند. نتیجه پنداشته این جنبش را

فرهنگی لازم برای لذت بردن از موهاب معنوی زندگی شهری برخوردار شدند. در بهمن ۱۳۷۳ در جنوب شرقی شهر در منطقه ۱۵ شهرداری در جایی که گورستان‌های متروک قرار داشت ساختمان «فرهنگسرای خاوران» با ۲۴ هزار مترمربع بنای سیار زیبا و باشکوه در فضایی نزدیک به ۹۰ هزار مترمربع با سرمایه نزدیک به بیست میلیارد ریال گشایش یافت و تسهیلات گوناگون فرهنگی - آموزشی آن به روی گروههای بزرگی از کودکان، نوجوانان، و بزرگسالان مناطق جنوبی شهر گشوده گردید. توسعه خانه‌های فرهنگی در نقاط مختلف شهر و بپایی مساجد و مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها و فعالیت‌های ورزشی هدایت شده کودکان و نوجوانان در شمار کوشش‌های پر از رشته هستند که در کسار تلاش‌های سازنده کالبدی می‌تواند به نیازهای معنوی و روانی شهر و نوادگان پاسخی مناسب داده و زندگی در شهر پیچیده و درهم تینده را برای آنان دلپذیر و خشنودکننده سازد. این تلاشی است که می‌توان از آن به صورت حرکت‌های «نم افزاری» و «اتسان سازی» یاد کرد. گرچه هنوز این تلاش‌های نم افزاری به وسعت کوشش‌های «ساخت افزاری» شهرداری پدیده نیامده و رونق نگرفته است ولی با توجه به آنکه برای رواج و اشاعه یک جنبش فرهنگی - آموزشی ضروریات بسیار باشیسته است و زمان بلندتری را می‌طلبد شاید افزایش آنگ چنین رشدی در اوضاع کنونی ساختارهای سازمانی موجود در کشور و در شهر تهران اندکی کند و دشوار باشد. ولی همین پیشرفت‌های محسوس در زمینه ساخت و پرداخت کالبدی شهر سبب شد تا شهرداری تهران

● شایسته است شهرداری تهران مانند همه شهرداریهای شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفت‌جهان به برپایی آموزشگاههای نمونه شهرداری همت گمارد.

● فراهم آوردن موجبات آموزش و پرورش همگانی برای اعیان اصولی که از سوی وزارت خانه مرکزی تنظیم می‌شود، در شمار وظیفه‌های نخستین مردم شهر یا مستولان منتخب و برگزیده اجرایی شهر است.

شهرداری تهران از ماههای پایانی سال ۱۳۶۸ در میان ناباوری گسترده مردم کار نوسازی کالبدی شهر را با برنامه زیباسازی شهر و توسعه فضای سبز آن آغاز نهاد. در روزهای نخست بهار ۱۳۶۹ شاخه‌های کوتاه گل شب بو با پیامی ذهنی و فرهنگی زینت پاره‌ای از خیابانها شد؛ در زمین‌های بایر و متروک درون شهری چمن کاری و درخت‌کاری و نصب وسائل راحت و آسودگی مردم و تفریح و سرگرمی کودکان و نوجوانان پدیدار شد؛ زمین‌های ورزش آماده شد و نوجوانان و جوانان بدون دشواری به استفاده از آنها پرداختند، دکانها و فروشگاههای شهر به زیباسازی فضای بیرونی خود تشویق شدند و با نصب علایم و نشانه‌های زیبای کسب و کار به چهره افسرده شهر رنگی تازه بخشیدند. نوسازی خیابانها و ساخت پل‌های بزرگ زیرگذر و روگذر و تکمیل بزرگ راهها و ساخت راههای کمربندی و تعریض خیابانها و برپایی میدان‌های فروش میوه و تره‌بار و نوسازی وسائل نقلیه عمومی و تنظیم رفت‌وآمد شهری و گردآوری زیاله در ساعت‌های شب و گشودن پارکها به روی مردم و گسترش فضای سبز و ساماندهی کسب و کارهای مزاحم در مناطق خارج از شهر موردن توجه قرار گرفت و آثار سودمند آنها در مدت کوتاهی آشکار شد. نکته حساس این برنامه‌های سریع عمرانی شهر تهران آن بود که در توزیع اعتبارات و گسترش دامنه خدمات شهری میان شمال و جنوب شهر تفاوتی گذاشته شد و حتی آنچه در جنوب پدید می‌آمد فروزن بر آن چیزی بود که در شمال شهر پدیدار می‌شد. برای از میان بردن آثار تبعیض و دوگانگی ناپسند و شاید ناخواسته‌ای که از سال‌های بسیار پیش در توسعه و عمران شمال و جنوب شهر نفوذ داشت در همین چند سال کنونی میزان سرمایه‌گذاری عمرانی در جنوب شهر افزایش درخور توجه یافت و پاره‌ای از کارهای عمرانی بزرگ در آن منطقه از شهر صورت گرفت. «فرهنگسرای بهمن» که از بازسازی کشاورگاه شهر پدید آمد یکی از نمونه‌های نمایان عمران شهری همراه با شکوفایی فرهنگی و اجتماعی است که در آن مردم مناطق محروم، از برنامه‌های متنوع

کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان نشان می‌دهد که فراهم آوردن موجبات آموزش و پرورش همگانی، با رعایت اصولی که از سوی وزارت خانه مرکزی تنظیم می‌شود، در شمار وظیفه‌های نخستین مردم شهر یا مستوان است. منتخب و برگزیده اجرایی شهر است. وزارت خانه‌های آموزش و پرورش در این زمینه جز وظیفه هدف‌گذاری، تهیه برنامه‌های درسی، تربیت معلمان و مدیران، و تدوین ضوابط و معیارهای لازم برای ارزشیابی‌های ضرور و کمک‌های مالی و معنوی رایگان، کاری در امور اجرایی ندارند و خود را در آن وارد نمی‌سازند.

نظام آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته و صنعتی و تجربه شهرها در فراهم آوردن امکانات مطلوب و مناسب آموزش و پرورش همگانی چنان آشکار و خدشناپذیر است که در روزگار کنونی سخن از واگذاری وظیفه اجرایی آموزش و پرورش به عاملان کشوری و دولتی هرگز به ذهن هیچ پرورشکار یا دولتمرد و یا صاحب‌نظری با تجربه و آزموده رسوخ نمی‌کند و آن را شیوه‌ای درست و صواب نمی‌پندازند. نظام کنونی آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی بی‌آمد تجربه‌های ممتدی است که این کشورها در فراهم آوردن موجبات آموزش مردمان خود به دست آورده‌اند و با توجه به سودمندی و اثربخشی آن این نظام همچنان در زمینه‌های اجرایی به دست مردم شهر و انجمن‌های برگزیده آنان سپرده شده است.

شهرداری و سودمندی‌های فعالیت آموزشی

شهرداری در پیوند مستقیمی که با مردم دارد و با حساسیتی که در این چند سال اخیر تامین نیازهای شهری درخود پدید آورده است می‌تواند به اجرای آموزش و پرورش عمومی شهر خدمتی پیاوینیادی کند و برای همیشه این پیشانی را که در چهره کریه و ناپسند و ضد مردمی آموزشگاههای چندنوبته، به ویژه در مناطق محروم و حاشیه‌ای شهر تهران، پدیدار است از میان بردارد. به گونه‌ای که گفته شد شهرداری تهران که در چند سال گذشته توائیسته است در جذب و نگهداری و دلگرمی نیروهای توائیست و کاردان در زمینه‌های کارهای فنی و عمرانی شهرداری کامیاب باشد و در عزت دادن و حرمت بخشیدن کار در شهرداری گام موثر بردارد، به خوبی می‌تواند به جلب و نگهداری معلمان، مدیران،

دانش آموز وسائل تحصیل فراهم آورده است. ولی این تلاش به سبب سنگین بودن هزینه‌های آموزشی و ناکافی بودن اعتبارات دولتی توائیسته است به گونه‌ای منطقی و عادلانه برای همه فرزندان شایسته کشور وسائل و امکانات برابر و مطلوب تحصیلی فراهم آورد. درنتیجه، دروازه مشارکت مردمی در این راه گشوده شده است. در کنار آموزشگاههای چندنوبته یا یک نوبته دولتی که نمونه‌های از محروم‌ترین مکان‌های آموزشی به شمار می‌آیند و بیشتر آنها هم در مناطق محروم شهر برپا هستند، اکنون آموزشگاههای «غیرانتفاعی» و «نمونه مردمی» چهره خود را بیشتر در مناطق مرتفه شهر در ساختهای زیبا و مجلل آشکار ساخته‌اند. روند افزایش این‌گونه آموزشگاه‌ها همچنان روی فروتنی است و ناگزیر تا مرز توائیستی مردم شهر گسترش خواهد یافت. آنچه باقی خواهد ماند شماری از آموزشگاههای دولتی در مناطقی نادر و کم درآمد شهر است که مردمان آن مناطق در تعیینه و حمایت آموزشگاههای خصوصی ناتوان هستند.

باتوجه به کیفیت آموزش و پرورش کنونی شهر، و با درنظرگرفتن ضرورت همیستگی عمران کالبدی پاšکوفایی اجتماعی - فرهنگی، شایسته است که شهرداری تهران، مانند همه شهرداری‌های شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته جهان، با تکیه بر توانایی سازمانی خود و حمایت و پشتیبانی مردمی، گام به پیش گذارد و پیش از آن که آموزشگاههای «غیرانتفاعی» یا «نمونه مردمی» به برقراری و تثبیت نظام ناروای «زاوا - نادار» در سازمان آموزش و پرورش استواری طولانی بخشنده و گروههای نیرومند فشار پدید آورند، با در اختیار گرفتن وظیفه فراهم آوردن موجبات آموزش و پرورش عمومی شهر - یعنی از کودکستان تا پایان دبیرستان - به بپایی آموزشگاههای نمونه شهرداری همت گمارد و بر سر فرزندان نادر و دارا، جنوبی و شمالی، دختر و پسر، چتری از حمایت آموزشی و پرورشی عادلانه و برابر برپا دارد تا همه کودکان بتوانند بیش از آنکه آثار آموزشگاههای طبقاتی در بدنه آموزش و پرورش شهر تهران به صورت سنتی پذیرفته و مقبول درآید، فضای آموزشگاهی خالی از تعییض مالی را فراهم آورد و به اصل برابری امکان بهره‌مندی از موهب آموزشی در سراسر شهر و آرزوی بلند قانون اساسی «بدون توجه به امکانات مالی خانواده» جانی واقعی بینشید.^(۳)

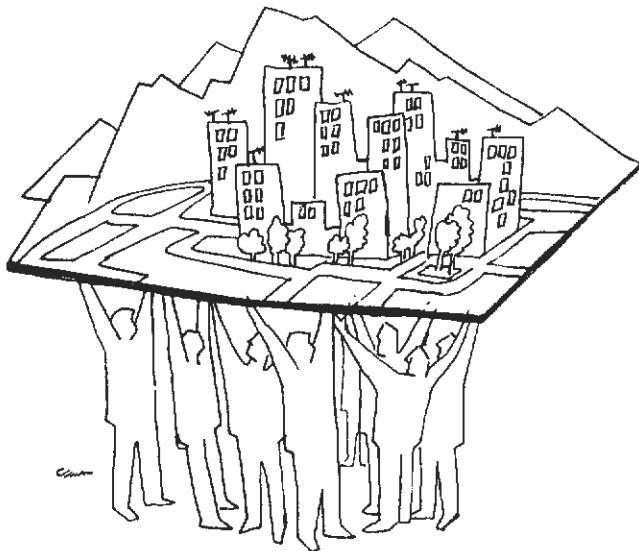
تجربه همه شهرهای بزرگ و کوچک

در اصل نباید در بین امدهای اقتصادی آن بررسی کرد. این جنبش یک پیوند میان مردم با راهبران جامعه است. صداقت رفاقت و کردار گذشته مدیران و درستی و اطمینان بخشی کوشش‌های آنان، مردم را با رغبت و میل درونی به پشتیبانی از مدیران برمی‌انگیزد و میان مردم جامعه نوعی از وحدت و بگانگی و یکپارچگی روانی پدید می‌آورد. این یکپارچگی که باید از آن به نام «فضای پلپذیر شهری» یاد کرد به آسانی پدید نمی‌آید و اگر هم پدید آید به آسانی دوام پیدا نمی‌کند. «فضای شهری» یک پدیده ظریف و حساس ولی پلپذیر و امیدبخش است. زمانی که میان مردم یک شهر دوستی و صداقت چیره شود و مدیران و کارگزاران در خدمت مردم گام بردارند و مردم از خدمتکاران پاک و خیراندیش شهر پشتیبانی کنند «فضای شهری» چهره پلپذیر و پرانگیزه خود را آشکار می‌سازد و برای مشارکت و دست به دست هم دادن و گسترش دامنه اعتماد و پیوندهای چندرسانه‌ای سودمند و سازنده میان شهر و ندان انگیزه‌های روانی نیرومند و بالتبعد فراهم می‌آید. «فضای پلپذیر شهری» را می‌توان به اعتماد عمومی تعبیر کرد که برپایه آن مردم به دولتمردان و دولتمردان به مردم جوش خورده و میان آنان پیوند پایداری به صورت اعتماد عمومی پدیدار می‌شود.

شکوفایی اجتماعی - آموزشی شهر

اکنون که نوعی از اعتماد عمومی میان مردم با مستوان شهرداری تهران پدید آمده است و این اعتماد در گذشته پیوند میان مردم با مدیران اجرایی کشمکشی و خارج از معیارهای سیاسی-اجتماعی معمول است، جا دارد برای فراهم آوردن موجبات شکوفایی جامع و فراگیر آبادانی شهر تهران و گشودن و برطرف کردن پارهای از دشوارهای ازآردنه موجود در زندگی شهری از این موقعیت بهره لازم گرفته شود و میان رشد و شکوفایی کالبدی شهر با گسترش و شکوفایی اجتماعی - آموزشی آن تناسبی متعادل برقرار شود.

وزارت آموزش و پرورش که برپایه اصل سی ام قانون اساسی^(۴) ملزم به فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش همگانی و رایگان دبستانی و دبیرستانی برای همه کودکان و نوجوانان کشور است، در چند سال کنونی با کوشش درخور توجهی و به رغم کمبود اعتبارات و امکانات مالی، برای بیش از هیجده میلیون تن



آنجا برآفراشته نخواهد شد و مردم آن در دریافت خدمات بسته آموزشی مظلوم ترین مردم شهر بدشمار می‌آیند، به شهرداری بسپارد و شهرداری را در بوته آزمایش چندساله قرار دهد. مناطق ده‌گانه جنوب شهر آزمایشگاه معقولی برای آزمودن این اندیشه تازه همکاری و برنامه رستگاری ملی است. بهره‌گیری از فرصت‌های نیکویی کی از ویژگیهای مدیریت شایسته و لایق و کارآفرین روزگار کنونی است. این فرصت‌های نیکوی همواره نمی‌توانند در اختیار باشند و فضای مناسب برای عملی کردن یک برنامه بزرگ و سرنوشت‌ساز ملی همواره حاصل نمی‌آید. وزارت آموزش و پرورش که برای فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش بیش از هیجده میلیون تن داشت آموزان کشور، در اوضاعی بس دشوار، تلاشی در خور توجه معمول می‌دارد و با اعتقاد موجبات و اگذاری کار به مردم را مجده تعقیب می‌کند و برای مشارکت مردم در این کار عظیم گام‌های موثر برداشته است، شایسته است با عاقبت اندیشه ملی و میهن در این مراحل حساس با درنظر گرفتن اعتمادی که مردم به مدیریت شهرداری تهران نشان دادند به کارداری و تسلط شهرداری تهران برای ایقای چنین وظیفه خطیبری بیش از دیگران تکیه کند و نامتکرکردن امور اجرایی آموزش و پرورش همگانی کودکان و نوجوانان شهر تهران را براساس موازین استوار قانونی فراهم آورد و در مقامی کشوری و ترازو بالای هدایت و راهبری به ارشاد و مشاوره دلسوزانه مسئولان اجرایی شهر تهران بپردازد. بی‌گمان در اجرای چنین برنامه بلند و انقلابی باید

● هر اندازه مز جدایی شهرداری از نهادهای دولتی آشکارتر و مشخص تر باشد، تکلیف اداره امور شهر آسان تر می‌شود و مردم از نهاد شهری، تعریف و پنداری روشن پیدا می‌کنند.

مردمی نیز با نظرات شهرداری صورت گیرد.
* امکانات موجود فرهنگی و آموزشی شهرداری در قالب خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها و مراکز فرهنگی در اختیار نظام آموزش و پرورش شهر قرار خواهد گرفت و در تقویت برنامه‌های جامع آموزشی - فرهنگی به کار گرفته خواهد شد.
وزارت آموزش و پرورش که در همکاری با شهرداری تهران تجربه‌های سودمند برای گفته وزیر در برنامه عمرانی دوم با کمیعد اعتبری بسیار سنتگینی رویاروست باید از این فرصت نیکو که در اوضاع کنونی شهر تهران پدید آمده است استفاده مطلوب به عمل آورد و با فراهم آوردن موجبات قانونی سپردن اختیار امور اجرایی آموزش و پرورش شهر تهران به شهرداری، که به نویعی با اجازه تاسیس آموزشگاه‌های «غیرانتفاعی» به مردم و شخصیت‌های حقوقی و حقیقی باب آن گشوده شده است، گامی بلند و بی‌پروا بردارد. هرگاه وزارت آموزش و پرورش به هر دلیلی مصلحت ندادن که کار اجرایی آموزش و پرورش عمومی همه مناطق تهران را به شهرداری واگذار کند، دست کم این وظیفه دشوار را در مناطق محروم و جنوبی شهر که هرگز پرچم آموزشگاه‌های «غیرانتفاعی» یا «نمونه مردمی» در

کارشناسان آموزشی برجسته نایل آید و نوعی از آموزشگاه‌های نازه را در شهر پدید آورد که برای دیگر شهرهای کشور سرمشق و نمونه باشند. سازمان شهرداری در اوضاع کنونی به گونه‌ای تجهیز شده است که کار با کیفیت بالا را به نمایش راستین گذاشته است. بزرگ راهها، پلهای بزرگ در تقاطع بزرگراهها، پلهای روگذر و زیرگذر در عرض خیابانها، ساختمنهای فرهنگسراهای بزرگ و خانه‌های فرهنگ، میدان‌های فروش میوه و ترهبار و... نشان از توائمهای و معیارهای بالای کیفی کار دارد. حال که چنین فرهنگی بر پیکر کنه و خاموش شهرداری روحی تازه دمیده و شهرداری را در شمار بهترین سازمان‌های محل خدمت کارشناسان، مهندسان، محققان و کارمندان برجسته درآورده است چرا تواند به باری وزارت آموزش و پرورش درآید و در این تلاش بزرگ ملی برای به اجرا درآوردن ارمان‌های بزرگ قانون اساسی این کلاف به هم پیچیده آموزش و پرورش دستگانی و دیپرستانی را در شهر بزرگ تهران از ناسامانی و کهنه‌گی و تجاری شدن سوداگرانه رهایی بخشد و در راه اعتلای آموزش کشور سرآهنگی شایسته باشد.^(۴) پذیرش وظیفه آموزش و پرورش عمومی شهر تهران از سوی شهرداری می‌تواند سودمندی‌هایی بدین شرح دربر داشته باشد:

- * فضای ساختمنی مناسب برای همه مناطق شهر با معیارهای همگون و دور از نایابری فراموش آید و از این پس طرح گسترش آموزشگاه‌ها به صورت جزیی از طرح توسعه کالبدی شهر شناخته خواهد شد.

- * معلمان، مدیران و کارشناسان توائمهای خدمت همراه با سفر فرازی به کارگر فرهنگی شوند و رفاه زندگی مناسب آنان فراموش آید.

- * پرورش شهر و ندان تهرانی در شمار مستولیت شهرداری فرار گیرد و در تیجه میان توسعه کالبدی شهر با شکوفایی اجتماعی - فرهنگی آن بیرون و نزدیکی و هماهنگی فراموش آید و با مردم به گونه‌ای رفتار شود تا آنان به شهر خود دلسته شوند و به آن مهر بورزند و در نگهداری و بهسازی آن احساس تعلق و مشارکت کنند.

- * سازوکار مشارکت مردمی در امور شهر از راه پدیدآوردن اطمینان شهری در مناطق شهر و دادوستد اندیشه میان مردم با کارگزاران شهر گسترش یابد.

- * مشارکت مردمی برای ساخت و اداره آموزشگاه‌های خصوصی یا غیرانتفاعی یا نمونه

مردمان صاحب نظر و آگاه و آزموده و دلسوز به کار فراخوانده شوند و از همکاری و علم و تجربه آنان بهره‌های لازم گرفته شود.

هرگاه چنین پیشنهادی با پذیرش دوسری وزارت آموزش و پرورش و شهرداری تهران رویارو شود آنگاه با استفاده از تجربه طولانی سایر کشورهای پیشرفت جهان بتویزه زبان، آلمان، و سوئیس می‌توان طرح تفصیلی آن را آماده و برای بررسی و نظرخواهی مردمان خبره و آگاه به امور آموزش و پرورش کشور فراهم آورد، و از آن راه همه توانایی‌های بالقوه موجود در کشور را بسیج و ترغیب کرد و برینکی از دشواری‌های موجود در راه شکوفایی فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی کشور از راهی که سرشت مردمی دارد فایق آمد.

هزینه‌های عمومی و تعدیل

نویسنده‌گان: سانجی پرادران وینایا سواروپ

مترجم: شریف ادیب سلطانی

منبع: FINANCE AND DEVELOPMENT

کاهش یکنواخت اقلام بودجه و برخی دیگر از کاهش‌های نامعقول عواقب اقتصادی و اجتماعی شدیدی بدنبال داشته است.

نحوه تخصیص هزینه‌های عمومی (کالا و خدماتی که دولت برای مردم کشور تأمین می‌کند) اثرات مهمی بر رشد اقتصادی و کاهش تنگدستی دارد. زیرینای فیزیکی سالم من جمله راه و راه‌آهن، سیستم ارتباطات و شبکه آب و فاضلاب بهره‌وری بخش خصوصی را تقویت می‌کند و رشد اقتصادی را اسانتر می‌سازد. خدمات رفاه اجتماعی، مخصوصاً تحصیلات دبستانی و دبیرستانی و بهداشت و درمان، رفاه و بهره‌وری مستمندان را بهبود می‌بخشد. این گونه هزینه‌های عمومی در کشورهای درحال توسعه بقدری حائز اهمیت است که باید در مقابل کاهش یکنواخت هزینه به منظور تقلیل کسر بودجه از آن دفاع کرد. برنامه‌های تثبیت و تعدیل که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در مورد خیلی از کشورهای درحال توسعه از آن حمایت می‌کنند بر این مبنای مورد انتقاد قرار گرفته‌اند که برای برنامه‌های رفاه اجتماعی بالقوه خطرناک هستند. برخی از متقدین، من جمله یونیسف، معتقدند برنامه‌های امساک مالی که سیاست اعطای وام بر آن اساس قرار دارد، دولتها را ناچار ساخته است هزینه‌های خود را برای رفاه اجتماعی، مخصوصاً برای بهداشت و درمان و آموزش و پرورش کاهش دهند. علاوه برآن، برخی از اعطای‌کنندگان وام و کمک‌های بلاعوض از این که هزینه‌های نظامی از کاهش معاف مانده‌اند، و از اینکه وام از سازمان‌های بین‌المللی، به منظور تعدیل، برای تأمین هزینه‌های نظامی بکار رفته است، اظهار

اشارة:

کشورهای درحال توسعه می‌توانند از تجارب یکدیگر در رشد و توسعه اقتصادی بهره فراوان ببرند. بانک جهانی در زمینه هزینه‌های عمومی در ۲۹ کشور جهان بررسی جالبی بعمل آورده است که توسط دو تن از کارشناسان بانک بصورت مقامه حاضر خلاصه شده است. بررسی مزبور نمایانگر مسائل مشترکی میان کشورهای درحال توسعه است که آشنائی و راههای میان کشورهای با آن برای مانیز که در راه توسعه قدم بر می‌داریم، می‌تواند مفید باشد.

بانک جهانی در بررسی تازه‌ای که انجام داده به این نتیجه رسیده است که کشورهایی که به منظور تعدیل، وام دریافت می‌کنند به موازات کاهش کسر بودجه خود هزینه‌های رفاه اجتماعی را در مجموع ثابت نگاهداشته و از هزینه‌های دفعاتی خود می‌کاهند. معذلک، سوء تخصیص هزینه‌های عمومی مشکلی پایه‌جاست. مزد و حقوق و خدمات کم اهمیت‌تر در بخش عمومی، موجب کاهش یا حذف خدمات اساسی وفاه اجتماعی و هزینه کارکرد و نگاهداری - به فیر از مزد و حقوق - می‌گردد.

در اواخر دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد، افزایش سریع هزینه‌های دولت که از افزایش درآمدهای داخلی پیشی گرفته بود، بسیاری از کشورهای درحال توسعه را به سوی بحران مالی سوق داد. از آن ایام تاکنون، شماری از این کشورها کوشیده‌اند کسر بودجه خود را غالباً با کاهش هزینه‌های عمومی - بعنوان قسمتی از برنامه تثبیت اقتصادی و تعدیل ساختاری - تقلیل دهند. با آنکه کاهش هزینه‌ها، بی‌تردید ضروری است،

پانوشت‌ها:

۱ - برای آگاهی بیشتر از چگونگی پدیدآمدن شهر تهران در سال ۱۴۰۰ هجری قمری و شیوه رشد بی‌رویه آن به نوشته‌ای به نام «تهران بزرگ دردهای سکنه را فراموش می‌کند» کتاب سال هشتادی ۱۳۷۲ نگاه کنید.

۲ - اصل سی ام - دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش را بگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوجهه فراهم سازد.

۳ - خوده گیری از آموزشگاههای «غیرانتفاعی» یا «نمونه مردمی» به هیچوجه خوده گیری از درستی یا سودمندی کار این گونه آموزشگاهها یا چگونگی مدیریت آنها نیست، بلکه بیشتر به دلیل پدیدآمدن تفاوت طبقاتی ناخواسته و سهمگینی است که در میان جامعه فراهم می‌آورد و بول و مکنت مالی سبب جدالشدن کیمیت آموزش و پرورش مردم دارا با نادار خواهد گردید و این تفاوت هر روز به زبان بیشتر مردم نادر افزایش خواهد یافت.

۴ - در دیدار وزیر کشور با مستولان شهرداری تهران در فروردین ماه ۱۳۷۴ سخن از آن رفت که شهرداری تهران الگوی کامیاب و برجسته‌ای برای دیگر شهرداری‌های ایران شده است و بسیاری از شهرداران از شهرداری تهران راهگشایی‌های کارمز و سودمندی فراگرفته‌اند. اکنون شایسته است که این الگوسازی برای گشودن دشواری توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش همگانی به کار گرفته شود و شهرداری تهران مسئولیت اجرایی آن را به صورت قانونی بر عهده گیرد.